

داستان شنیدنی انقلاب عجیب لبنان

طبق قانون اساسی لبنان که پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۴۵ تدوین و بموقع اجرا گذاشته شد دوره ریاست جمهوری در لبنان شش سال است و تجدید انتخاب یکنفر در دوره ریاست جمهوری بطور متوالی صریحاً ممنوع شده است ، یکنفر می تواند بطور متناوب یعنی شش سال پس از پایان دوره اول ریاست جمهوری خود مجدداً باین مقام انتخاب شود ، ولی دوازده سال یا هجده سال متوالی نمیتواند این مقام را در دست داشته باشد . ظاهراً مقصود واضعین قانون اساسی لبنان از بوجود آوردن سدی در راه حکومت طولانی یکنفر جلوگیری از دیکتاتوری فردی بوده و بهمین جهت وقتیکه کامیل شمعون در صدد تغییر قانون اساسی و تجدید دوره ریاست جمهوری خود برآمد یکمرتبه سر و صدای مخالفین بلند شد که شمعون در صدد برقراری حکومت دیکتاتوری است و بهر قیمتی شده باید از اجرای نقشه او جلوگیری کرد .

در واقع کامیل شمعون (که بعقیده طرفدارانش لایق ترین رجل سیاسی لبنان و بعقیده مخالفینش بازپچه ای در دست سیاستهای غربی است) مقدمات تغییر قانون اساسی لبنان و تمدید مدت ریاست جمهوری خود را کاملاً فراهم کرده بود . از ۵۶ نماینده مجلس جدید لبنان در حدود چهل نفر یعنی اکثریت لازم برای تغییر قانون اساسی خود را آماده تشکیل یک جلسه فوق العاده بمنظور رای به تغییر قانون اساسی و تجدید انتخاب کامیل شمعون نموده بودند و شانس موفقیت شمعون در اجرای این نقشه زیاد بود .

مخالفین تجدید انتخاب کامیل شمعون بمقام ریاست جمهوری ابتدا فقط گروهی از نمایندگان اقلیت مسلمان مجلس و مخالفین شمعون در خارج از پارلمان بودند تا اینکه یکی از اعضای متنفذ و برجسته پارلمان لبنان بنام «هنری فرعون» بجمع مخالفین پیوست

و کنفرانس بزرگی با حضور کلیه رهبران مخالف در منزل خود تشکیل داد .
در این کنفرانس عده‌ای از نمایندگان پارلمان لبنان و کلیه



رهبران مخالف دولت در خارج از پارلمان از قبیل صائب سلام و عبیدالله یاقی و رشید کرامی نخست وزیران سابق و احمد الاسعد رئیس سابق مجلس و کمال جمبلاط رهبر قبیله جنگجوی «دروز» شرکت کردند و طی بیانیه مشترکی اعلام نمودند که با هر گونه تلاشی بمنظور تغییر قانون اساسی لبنان و برقراری حکومت فردی مبارزه خواهند کرد،

با این اعلامیه مبارزه طرفداران تجدید انتخاب کامیل شمعون به مقام ریاست جمهوری لبنان و مخالفین او بر مرحله باریکی رسیدند و

چون خطر يك اقدام ناکهانی از طرف نمایندگان طرفدار

کامیل شمعون و تجدید انتخاب او به مقام ریاست جمهوری از بین نرفته بود دستجات مخالف خود را برای يك مبارزه جدی و حتی قیام مسلحانه آماده می کردند .

در این اختلاف نقش عوامل جمهوری متحده عرب رادر تقویت و تحریک مخالفین نباید فراموش کرد !

ناصر و سایر رهبران جمهوری متحده عرب که بغوی میدانستند در صورت ادامه زمامداری کامیل شمعون تمام نقشه‌های آنها در لبنان نقش بر آب خواهد شد دائماً بار رهبران مخالف در تماس و مذاکره بودند

و حمل اسلحه و مهمات به لبنان از طریق مرزهای سوریه یکماه قبل از اینکه شورش آغاز شود شروع شده بود.

قبل از اینکه بشرح داستان شورش لبنان پردازیم بدینست بیک مورد مهم دیگر اختلاف بیزدوات فملی لبنان و مخالفین آن اشاره کنیم. در قانون اساسی لبنان این نکته پیش بینی شده است که اگر نسبت جمعیت در لبنان تغییر کرد ترتیب تقسیم مقامات دولتی نیز تغییر پیدا کند.

یعنی همیشه رئیس جمهور از میان پیروان مذهبی که اکثریت جمعیت لبنان را شامل است انتخاب گردد. در سرشماری های ۱۹۴۵ تا ۱۸۴۸ پنجاه و یک درصد مردم لبنان را مسیحی ها تشکیل میدادند و به همین جهت رئیس جمهور از میان پیروان بزرگترین فرقه مسیحی لبنان که معروف به مسیحیان مارونیت هستند انتخاب می شد، ولی از آن تاریخ بعد سرشماری عمومی در لبنان بعمل نیامده و مسلمانان که مدعی هستند جمعیت آنها در چند سال اخیر بر مسیحی ها افزایش یافته میخواستند شخصی به مقام ریاست جمهوری انتخاب شود که با انجام سرشماری عمومی مقدمات تغییر مقامات حکومتی را هم فراهم سازد.

داستان شورش لبنان

با مقدماتی که مطالعه فرمودید زمینه برای طغیان و آشوب در لبنان از هر حیث آماده شده بود و فقط بهانه ای برای طغیان لازم بود که آنها با قتل یکی از روزنامه نگاران بدست آمد.

«نسب متنی» مدیر روزنامه «تلگراف» بیروت که از مخالفین تندرو دولت بشمار میرفت و ظاهراً تعلیقات کمونیستی نیز داشت در حدود چهار ماه قبل هنگامی که از چاپخانه به نزل خود میرفت بوسیله چند تن ناشناس بقتل رسید و خبر قتل او مثل بمب در بیروت صدا کرد.

مخالفین دولت که در پی بهانه ای بودند اعلام کردند که نسب متنی بواسطه حملات شدید به کامیل شمعون و سامی الصلح بوسیله طرفدان دولت بقتل رسیده و حتی بعضی ها مدعی شدند که کامیل شمعون شخصاً دستور قتل او را داده است. در حال این واقعه هیجان شدیدی در بیروت و شهرهای بزرگ لبنان بوجود آورد و مخالفین که میگفتند شمعون برای بیش بردن نقشه های خود دست به ترور و اراغاب مخالفین زده است تظاهرات وسیعی بمناسبت قتل نسب متنی بر پا ساختند و دستور اعتصاب عمومی را صادر نمودند.

در جریان تظاهراتی که برهبری رشید کرامی نخست وزیر سابق لبنان در شهر بزرگ بندری (طرابلس) واقع در شمال لبنان صورت گرفت بین تظاهر کنندگان و قوای پلیس تصادم شدیدی روی داد و در این تصادم عده ای از تظاهر کنندگان که مسلح بودند افراد پلیس را خلع سلاح کرده و به مراکز پلیس، ارتش و اداره اطلاعات سفارت آمریکا در طرابلس حمله ور شدند.

ساختمانهای مزبور پس از تخریب و غارت آتش زده شد و باین ترتیب اولین جرقه انقلاب در طرابلس مشتعل گردید و در عرض دو هفته سراسر لبنان را فرا گرفت.

امروز وقتی که درباره چگونگی شروع انقلاب و علل آن با رهبران دولتی و مخالفین دولت لبنان صحبت میکنید دو نظر متفاوت در این خصوص ابراز میکنند.

دولتی ها میگویند که انقلاب طبق يك نقشه دقیق قبلی که در خارج از لبنان طرح شده بود در شهر طرابلس و نقاط مجاور آن که نزدیک مرز سوریه است آغاز شد تا مخالفین قسمتی از مرزهای سوریه را تحت نظر بگیرند و با دریافت اسلحه و مهمات و حتی افراد کمکی از خارج، شورش بر علیه دولت قانونی لبنان را توسعه دهند.

ولی مخالفین دولت میگویند که شروع انقلاب در طرابلس فقط محصول اقدامات دولت و حمله قوای پلیس به تظاهر کنندگان بود که نشان میداد دولت در تصمیم خود مبنی بر ایجاد حکومت اعراب و وحشت باقی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- بهر حال؛ بدنبال شورش طرابلس که منجر به تصرف قسمتی از شهر و حومه آن بوسیله شورشیان مسلح شد در سایر نقاط لبنان منجمله بیروت نیز مخالفین دست با اسلحه بردند و کمال جمبلاط رهبر قبیله جنگی «دروز» هم قریب سه هزار نفر از افراد خود را مسلح ساخته و اعلام کرد که برای ساقط کردن حکومت کامیل شمعون و جلوگیری از تجدید انتخاب او بمقام ریاست جمهوری با شورشیان همکاری خواهد کرد.

يك ناظر بیطرف شورش لبنان را چگونه می بیند

درباره ماهیت شورش لبنان تا بحال مطالب بسیاری از طرف موافقین و مخالفین انتشار یافته ولی يك تحقیق بی طرفانه و بدون غرض در این خصوص کمتر دیده شده است.

از چشم يك ناظر بیطرف شورش لبنان نه آنطور که رهبران شورش ادعا میکنند کاملاً جنبه ملی و داخلی دارد و نه بطوری که مقامات دولتی لبنان می گویند صرفاً محصول مداخلات جمهوری متحده عرب میباشد حقیقت امر اینست که شورش لبنان ریشه داخلی دارد ولی این درخت را جمهوری متحده عرب آبیاری کرده و بارور ساخته است .

شورشیان لبنان اکثر با سلاحهایی که از طرف جمهوری متحده عرب به لبنان فرستاده شد مسلح شده اند ولی کسانی که اسلحه بدست گرفته اند لبنانی هستند و اگر عده ای از اهالی سوریه هم در بین شورشیان باشند تعداد آنها زیاد نیست .

شورش لبنان حقیقتاً شورش بیسابقه و عجیبی است .

در هیچ جای دنیا دیده نشده است که عده ای مسلحانه بر علیه دولت مرکزی و قانونی کشوری قیام کنند و رهبران شورش آزادانه و بدون واهمه در نقاطی که تحت کنترل و نفوذ قوای دولتی است رفت و آمد نمایند . حتی در بعضی موارد قوای دولتی برای تماس بین خبرنگاران و سران شورش تسهیلاتی فراهم میسازند و یکی دو بار اتفاق افتاده است که سران شورش برای اینکه از آسیب مصون بمانند در پناه قوای دولتی قرار گرفته اند .

در واقع آنچه در لبنان روی داده بیش از يك شورش بيك نوع ابراز انزجار مسلحانه از دولت مرکزی و هیئت حاکمه شباهت دارد این ابراز انزجار بصورت اعتصاب عمومی و تیراندازی و خراب کاری ظاهر شده و مخالفین در جریان کار خود قسمتی از نقاط مرزی و بندری مهم لبنان مانند بعلبک و شمال طرابلس و قسمتی از بنادر مهم لبنان مانند سیدون و طایر را متصرف شده اند

در شورش لبنان عوامل گوناگون مذهبی ، سیاسی ، اجتماعی ، محلی ، عشایری و بالاخره اختلافات و رقابت های شخصی دخالت دارد .

عامل مذهبی چنانچه قبلاً هم اشاره شد تقسیم جمعیت بدو دسته بزرگ مسلمان و مسیحی است مسیحیان که نسبت به مسلمانان زندگی بهتر و مرفه تری دارند خواهان حفظ ارتباط و وابستگی لبنان به دنیای مسیحی غرب میباشدند و مسلمانان که گناه فقر و عقب ماندگی

خود را به گردن هموطنان مسیحی خود و حامیان غربی آنها میاندازند میخواهند هر چه بیشتر لبنان را بدنیای عرب و مسلمان پیوند دهند . با وجود این صف مسلمانان و مسیحی ها در بحران فعلی لبنان کاملاً مشخص و مجزا نیست و برای مثال کافی است بگویم که «میوشی» پیشوای مذهبی مسیحیان مارونیت لبنان از مخالفین سرسخت کامیل رئیس جمهور مسیحی مارونیت بشمار میرود و سرسخت ترین دشمنان صائب سلام پیشوای سنی شورشیان ، ساهی الصلح نخست وزیر سنی لبنان میباشند .

از لحاظ سیاسی اختلاف اساسی بر سر الحاق لبنان بجمهوری متحده عرب و یا ادامه همکاری با غرب میباشد

اکثریت قریب باتفاق مسلمانان خواهان وابستگی لبنان به جهان عرب میباشد در حالیکه اکثریت قریب باتفاق مسیحیان بهیچوجه حاضر نیستند به الحاق لبنان بجمهوری متحده عرب تن در دهند اما در میان همین افراد مسیحی مخالفین کامیل شمعون رئیس جمهور فعلی لبنان فراوانند و معتقدند که لبنان باید بصورت کشور کاملاً بی طرفی در خاور میانه درآید ، در حالیکه کامیل شمعون سیاست خارجی لبنان را از حد بیطرفی خارج کرده و رسماً به بلوک غرب متکی ساخته است .

رهبر شورش و کلمات فریبی

- رهبران اصلی شورش لبنان بترتیب عبارتند از صائب سلام نخست وزیر سابق ، رشید گرامی نخست وزیر سابق ، کمال جمبلاط نماینده سابق و رئیس قبیله دروز ، احمد الاسعد رئیس سابق مجلس عبدالله یافی نخست وزیر سابق و مجدلانی نماینده فعلی پارلمان لبنان که بعنوان نماینده شورشیان بسازمان ملل متحد رفته است

در میان این عده صائب سلام رهبر اصلی شورش در بیروت ، کمال جمبلاط پیشوای قبیله دروز و رشید گرامی رهبر شورشیان شمال لبنان پیشتر از همه اهمیت دارند .

صائب سلام که در مرکز شهر بیروت مشله بزرگی بنام «بسته» را در اختیار دارد مغز انقلاب لبنان بشمار میرود . خیابان بسطه و

سایر خیابان‌هایی که تحت تسلط افراد صائب سلام میباشد با سیم خار دار و خندق‌های وسیع از نقاط دیگر شهر مجزا شده، ولی رفت و آمد ساکنین این محله به نقاط دیگر بیروت بلامانع است. در صورتیکه ورود افراد خارجی به محله مزبور ممکنست خطرناک باشد.

صائب سلام بوسیله تلفنی که مرکز آن در منطقه تحت کنترل دولت میباشد با تمام بیروت تماس دارد و حتی دستورات نظامی خود را هم گاهی بوسیله تلفن ابلاغ مینماید، منزل او در مرکز بسطه مانند يك قلعه جنگی است که صد ها نفر افراد مسلح داخل و خارج موضع گرفته‌اند

صائب سلام را طرفدارانش يك فرد لایق و میهن پرست و عرب متمصب و ضد استعمار میدانند، ولی مخالفینش میگویند که او فردی جاه طلب است که در حال حاضر فقط بازبچه ای در دست جمال عبدالناصر بشمار میرود.

تعداد افراد صائب سلام بدرستی معلوم نیست و رقم افراد او را از هزار تا سه هزار نفر تخمین میزنند، این افراد روزانه متفاوت از سه تا ده لیبره لبنانی که معادل ۷۵ تا ۲۵۰ ریال پول ایرانی است از صائب سلام حقوق میگیرند و در مورد چگونگی تامین این مخارج هم موافقین و مخالفین او دو نظر ابراز میدارند. موافقین صائب سلام میگویند این پول از طرف خود صائب سلام (که از ثروتمندان درجه اول لبنان بشمار میرود) و عده‌ای از ثروتمندان دیگر تامین می شود. ولی مخالفین میگویند که این پول‌ها را قاهره تامین میکند و تا بحال ۲۰/۱۰۰۰/۱۰۰۰ لیبره مصری برای راه انداختن شورش در اختیار صائب سلام گذاشته شده است.

کمال جمبلاط رهبر معروف قبیله دروز بیش از صائب سلام شهرت و محبوبیت دارد، کمال جمبلاط که مردی چهل ساله است بر قبیله ای فرمانروایی میکند که معتقدات دینی آنها حد فاصل بین مسلمانان سنی و شیعه میباشد و کمی با تصوف آمیخته است

جمبلاط شخصا مردی فوق العاده عمیق و وارد می باشد.

وی ازدانشگاه سوربون پاریس در رشته فلسفه باخذ درجه

دکترنا نامل شده و پس از مراجعت بلبنان حزب سوسیالیست لبنان را که اکنون قریب ده هزار نفر عضو دارد تاسیس کرده است.

جیبلاط مسافرت های متعددی به نقاط مختلف جهان منجمله ایران و پاکستان و هندوستان کرده و بادبیات و فلسفه هندآشنائی کامل دارد.

جیبلاط در يك قصر قدیمی و افسانه ای که بر فراز ارتفاعات «شوف» واقع در جنوب شرقی بیروت بنا شده زندگی میکند. این قصر یا قلعه دارای سیصد اتاق است که بعضی از آنها انبار اسلحه میباشد.

تعداد افراد مسلح و فدائی جیبلاط به سه هزار نفر بالغ می شود و از این حیث نیرومندترین مرد لبنان بشمار میرود

اندیشه کن

جامی

گفتی بکوی : عاشق و بیمار کیستی
 من عاشق توام . تو گرفتار کیستی ؟
 بستی میان بکینه ، کشیدی نذر غمزه تیغ نانی و مطالعات فرنگی
 جانم فیدات ؛ در پی آزار کیستی ؟
 دارم دلی ز هجر تو هر دم فکار تر
 تا خود تو مرهم دل افکار کیستی ؟
 هر شب من و خیال تو کنج محبتی
 تو باکئی و مونس و غمخوار کیستی ؟
 می با غم تو یار و بعهده و وفای خویش
 ای بیوفا ؛ تو یار وفادار کیستی ؟
 تا چند کرد کوی تو کردم ، گهی بیرس
 کاینجا چه میکنی و طلبکار کیستی ؟
 «جامی» مدارچشم خلاصی زقید عشق
 اندیشه کن ، ببین که گرفتار کیستی ؟